درمکتب امام

روحیه وابستگی در جوانان تزریق نکنید

مبادا اساتید و معلمینی که به وسیله معاشرت‌ها و مسافرت به جهان به اصطلاح متمدن، جوانان ما را که تازه از اسارت و استعمار رهیده‌اند، تحقیر و سرزنش نمایند و خدای ناکرده از پیشرفت و استعداد خارجی‌ها بت تراشند و روحیه پیروی و تقلید و گدا صفتی را در ضمیر جوانان تزریق نمایند.

صحیفه امام؛ ج۲۱؛ ص۹۶ | پیام به ملت ایران؛ ۲۹ تیر ۱۳۶۷

مقاله وارده

از ایران مقتدر ضعیف‌نمایی نکنید!

سپهر خلجی

۱۷۰ روز پس از شـــهادت امام عزیزمان و تحمیل ۳ جنگ و کودتا بر کشـــور در عرض یک سال، توجه به ریشه‌ها و ابعاد بروز این حوادث از جهت اصلاح محاسبات و جبران خطاهای بسیار پرهزینه، ضروری است.

در نشست‌های تحلیلی دلایل مختلفی برای تحمیل جنگ به کشور ذکر می‌شود از خطای محاســـباتی مسئولان، پیام‌های اشـــتباه، تا روحیات شخص و سیاست‌های ترامپ و یا نقش نتانیاهو در آتش‌افروزی در منطقه، برخی نیز تحمیل جنگ به کشور و شهادت رهبر عالی‌قدرمان را نتیجه روند مذاکره با دشمن می‌دانند. اما واقعیتی که به نظر می‌رسد کمتر به آن پرداخته می‌شود مسیر، بستر و روند مدیریتی است که نهایتاً به تحمیل جنگ و شهادت امام عزیز منتهی شد و دشمن را به این جمع‌بندی رساند که شـــرایط داخلی برای حمله به ایران مهیاست. اگر این بسترها و مجموعه عوامل را که محاســـبات دشمن را شکل می‌دهد درست نبینیم و به آن نپردازیم یقیناً به خطا رفته‌ایم. مسیری که از اواسط ۱۴۰۳ تا لحظه شهادت رهبر عالیقدر در طول دو سال به صورت ویژه باعث شد تا از ایران مقتدر در برابر دشمنان ضعیف‌نمایی و از جمهوری اسلامی به عنوان نظامی مستأصل، درمانده، خسته، پشیمان و شکست‌خورده و به‌هم ریخته تصویرسازی شود، این یک روند به غایت خطرناک است که در صورت غفلت از اصلاح آن، جمهوری اســـلامی را بیش از گذشته با تهدید وجودی مواجه خواهد کرد. روندی که عملاً با ناکارآمدی عمیق باعث تغییر محاسبات دشمن نسبت به اراده و توان ایستادگی جمهوری اسلامی در برابر تهدیدات شد.

در همین ارتباط به هشدار مهم رهبر شهید انقلاب توجه کنید:

«این، یک قاعده کلی اســـت که احســـاس ضعف موجب تشویق دشمن به حمله خواهد شـــد، بنابراین اگر می‌خواهید دشمن را از تهاجم منصرف کنید، باید از نشان دادن احســـاس ضعـــف بپرهیزیم و نقاط قوت فراوانی را که در اختیار داریم، آشـــکار کنیم.» اسفند ۱۳۹۵

این هشـــدار صریح که نمونه‌های متعددی از آن را در کلام رهبر شهید می‌توان یافت نشان می‌دهد که ابراز ضعف در برابر دشمن تا چه میزان می‌تواند به عنوان یک خطای ادراکی باعث افزایش تهدید شود.

متأسفانه بررســـی روند مدیریت اقتصادی کشور از پاییز ۱۴۰۳ نشان می‌دهد به مرور اکثر شاخص‌های اقتصادی از قبیل نقدینگی، رشد تولید و تورم دچار بحران شد و جهت‌گیری اقتصادی کشور به سمت رهاسازی، حاکمیت الیگارش‌های اقتصادی و فشـــار بی‌وقفه به مصرف‌کنندگان حرکت کرد، همزمان فعالیت‌های عمرانی در کشور که می‌توانست به عنوان یکی از نقاط امید در حرکت عمومی کشور تصویرسازی کند به مرور کاهش یافت و نهایتاً متوقف شد، پیوند نزدیک دولت با مردم به منظور شنیدن مشـــکلات و حل مســـئله که اوج آن در سفرهای اســـتانی بروز داشت به حضورهای رســـمی در جلسات بسته اداری تغییر شکل یافت و نهایتاً ارتباط با مردم متوقف شد، با ناکارآمدی، مدیریت ناترازی‌ها که اثر مســـتقیم در زندگی مردم داشت دچار اخلال شـــد که تبعات آن را مردم در بی‌برقی، بی‌آبی، بـــی‌گازی، آلودگی و نهایتاً تعطیلات طولانی از پاییز ۱۴۰۳ به بعد متحمل شـــدند و مردم نه تنها کارآمدی لازم برای حل مشـــکلات مزمن را ندیدند که به صورت پیوسته از مدیران کشور که منطقاً باید نقطه امید مردم باشـــند گزاره‌هایی از نمی‌توانیم، نشدن، نتوانستن و بن‌بست در اداره کشور دریافت کردند. در تریبون‌های رســـمی و از ســـوی مدیران مسئول تا جایی که امکان داشت و به صورت پرحجم از قحطی، کمبود، گرسنگی و استیصال گفته شد. در برابر زیاده‌خواهی دشـــمنان نیز مقامات مسئول یا سکوت کردند و یا با گزاره‌هایی از ضعف و ترس و کرنش پاســـخ دادند، تصمیمات بزرگ اقتصادی بدون توجه به شرایط واقعی جامعه اتخاذ و بدون اقناع افکارعمومی و به صورت ضربتی به اجرا گذاشـــته شـــد که به رغم هشدار همه دلسوزان بستر کودتای ۱۸ و ۱۹ دیماه فراهم گردید. تقریباً همه زمینه‌های لازم برای عصبی کردن جامعه با بی‌عملی و سیگنال ضعف و ناتوانی فراهم شد. در این شرایط به جای امید دادن به مردم برای رفع مشکلات و در کنار آن تلاش برای حل نارســـایی‌ها، سیاستی در دستور کار مســـئولان قرار گرفت که با جامعه به صورت پیوسته و پرحجم در مورد مشکلات صحبت شود با این هدف که افکارعمومی در جریان عمق مشـــکلات قرار بگیرد. این رویکرد به‌ویژه از ســـوی رسانه‌های دولتی و تریبون‌های اصلی در دو ســـال گذشـــته تقویت شـــد. یعنی انتقال پیوسته و مداوم مشکلات به کف جامعه بدون ارائه راه‌حل و بدون ایجاد چشم‌انداز برای حل مشکلات و وابسته کردن حل مشکلات به مذاکره با آمریکا. در برابر انتقاد به این خطای رویکردی نیز گفتند انتقال تصویر مشکلات کشور به مردم برای مدیریت نارسایی‌ها ضروری است و نباید مشکلات را در زیر فرش پنهان کرد!

نتیجه این رویکرد در دو سال گذشته چه شد؟ روند تحولات کشور نشان داد این رویکرد اشتباه نه تنها کمکی به حل مشکلات نکرد بلکه ادراک عمومی از توانمندی‌های کشور را با اختلال همراه و محاسبات دشمنان را نسبت به توان جمهوری اسلامی ایران دچار اشتباه کرد. پالس ضعف، پشیمانی و ناتوانی دشمن را به طمع انداخت و نتیجه اینکه با همین اشتباه محاسباتی در خرداد ۱۴۰۴ به ایران عزیز حمله کردند. دشمن امید داشـــت مردمی که در دو سال گذشته به صورت مستمر در معرض بمباران پیام منفی قرار گرفته و مســـئولان آن به صورت پیوسته در حل مسائل کشور اظهار ضعف و بن‌بست می‌کنند تاب ایســـتادگی در برابر مداخله خارجی را نداشته و مردم نیز به امید تغییر شرایط با تهاجم دشمن همراهی کنند. برخی اظهارات مقامات آمریکایی و صهیونیســـتی مستند به اظهارات مقامات رسمی کشور در یک سال گذشته در زمینه ناترازی انرژی و مشکلات آن کاملا این ادعا را تأیید می‌کند.

متأســـفانه بعد از خســـارات فروانی که ایران عزیز در اثر اتخاذ این رویکرد اشتباه متحمل شـــد که اوج این خسارت شـــهادت رهبر عالیقدرمان بود کماکان در ادبیات مســـئولان جمهوری اســـلامی ابراز ضعف و اســـتیصال تـــداوم دارد و مادامی که از تریبون‌های اصلی جمهوری اســـلامی به دشمن پیام نادرســـت ارسال شود دشمنان جری‌تر از گذشته منافع ملی و امنیت سرزمینی ما را تهدید خواهند کرد.

ضمن اذعان به وجود مشکلات مزمن اقتصادی و سختی‌های اداره یک کشور ۹۰ میلیونی با حجم بالایی از تهدیدها اما نباید واقعیت‌های عینی میدان را ندیده گرفت. این ملتی که با اراده ملی و با وجود همه مشکلات بیش از یک سال است که در برابر بزرگ‌ترین قدرت‌های جهانی ایســـتادگی کرده و آنان را به عقب رانده، کشـــوری که توانسته آمریکا را در دنیا بی‌آبرو کند، نظامی که به رغم همه تهدید و فشارها به اتکای ساخت درونی و توکل به الطاف الهی مستحکم و پابرجاست و نظم آمریکایی در نظام بین‌الملل را با شکســـت مواجه کرده، کشوری که امروز به دلیل تاب‌آوری و ایستادگی مورد تحسین صاحب نظران جهانی و تحلیلگران بین‌المللی است، مردمی که این‌گونه برای حفظ اســـتقلال، ســـختی‌ها را به جان می‌خرند و وفاداری خود را ابراز می‌کنند شایســـته این همه ضعیف‌نمایی نیســـتند. توانمندی‌های این ملت رشید و این نظام مقتدر را ببینیم و به جامعه امید بدهیم و از جمهوری اســـلامی با چنین ظرفیت‌های بزرگی ضعیف‌نمایی نکنیم.

این وجیزه را با یکی دیگر از هشدارهای رهبر شهید انقلاب پایان می‌دهم:

«بنده مکرر روی مســـئله امید تکیه می‌کنم. علت این اســـت کـــه امید در واقع تضمین‌کننده آینده کشـــور است. اگر کسی امید را در جوان امروز تولید کند در واقع به ساخت آینده کشـــور کمک کرده. امیدآفرینی این است که پیشرفت‌ها را برایشان توضیح بدهید، چشـــم‌اندازهای شـــوق‌آفرین را توضیح بدهید، ممکن است شما یک نقطه ضعفی در کشـــور، در نظام در ذهنتان باشد. لزومی ندارد منتقل کنید و این کار را موجب ناامیدی کنید، شما سعی کنید او را نسبت به آینده امیدوار کنید. القاء امید خدمت به آینده کشور است.» (اردیبهشت ۱۴۰۳)

بقائی:

سیاست آمریکا در ارتباط با ایران دچار «دروغ‌محوری» افراطی است

سخنگوی وزارت امور خارجه گفت: سامانه حکمرانی و سیاست خارجی آمریـــکا در ارتباط با منطقه و ایران به دلیل «اتکای افراطی بر دروغ» به آن دچار شده است.

اسماعیل بقائی، سخنگوی وزارت امور خارجه، روز شنبه(۲۴ مردادماه) در پیامی در شـــبکه ایکس نوشـــت: این فراز از رمان برادران کارامازوف نوشته داستایوفسکی به درســـتی وضعیتی که ســـامانه حکمرانی و سیاســـت خارجی آمریکا در ارتباط با منطقه و ایران به دلیل «اتکای افراطی بر دروغ» به آن دچار شـــده اســـت را توضیح می‌دهـــد: «کســـی که به خویشـــتن دروغ می‌گویـــد و دروغ خود را بـــاور می‌کند، ســـرانجام به جایی می‌رسد که دیگر حقیقت را، چه در وجود خویش و چه در جهان پیرامونش، از دروغ تشـــخیص نمی‌دهد؛ و آنگاه هرگونه احترام به خود و دیگران را از دست می‌دهد.»

گزارش روز صد و هفتادم جنگ

آمریکا جنگ را باخته و برای پایان آن باید به ایران امتیاز بدهد

آمریکا جنگ با ایران را باخته است. این گزاره طی روزهای اخیر به شکل پربسامد در رسانه‌های آمریکایی و اروپایی تکرار می‌شود.

ایـــن قضاوت چنان پررنگ اســـت کـــه به گزارش نشریه هیل متعلق به کنگره؛ «۸۸ درصد از آمریکایی‌ها معتقدند آمریکا به اهداف خود در جنگ با ایران دست نیافته است».

ایان برمر رئیس گروه اوراســـیا هم گفته اســـت: با نزدیک شـــدن به انتخابات میان‌دوره‌ای، ترامپ از نظر محبوبیـــت در زمینه اقتصاد و تورم، وضعیت بســـیار ناگواری دارد.

آمریکا جنگ را باخته و باید امتیاز بدهد

استفان والت، استاد روابط بین‌الملل دانشگاه هاروارد و سردبیر نشریه فارین پالیسی دیروز تصریح کرد: آمریکا جنگ ایران را عملاً باخته اســـت. پایان جنگ، مستلزم امتیازدهی واقعی آمریکا به ایران اســـت؛ اعلام پیروزی و خروج یک‌طرفه دیگر کارســـاز نیست. ایالات متحده، جنگ را باخته و هیچ‌یک از اهداف جنگی اعلام‌شده در مراحل اولیه محقق نشده؛ ایران همچنان قادر به بستن تنگه هرمز اســـت و آمریکا گزینه‌هـــای نظامی مؤثری برای جلوگیری از آن ندارد. هزینه‌های اقتصادی جنگ برای جهان و خود آمریکا همچنان رو به افزایش اســـت و ایران اکنون در موقعیت چانه‌زنی بسیار برتری نسبت به ترامپ قرار دارد.

والت افزود: فشار اقتصادی و محاصره دریایی، ایران را وادار به تسلیم نخواهد کرد. ایران دهه‌ها تحت تحریم شـــدید بوده و اقتصاد حدود ۳۵۰ میلیارد دلاری دارد. ایـــران در این جنگ برای بقـــای خود می‌جنگد و عزم بســـیار بالاتری دارد. حتی پس از کشـــته شدن برخی چهره‌هـــای میانه‌روتر، رژیم همگن‌تر و تندروتر شـــده اســـت. اختلافات در واشنگتن عمیق‌تر است. حوثی‌ها می‌تواننـــد هزینه‌های جنگ را با تهدید دریای ســـرخ افزایش دهند و حذف نظامی آن‌ها ممکن نیست. پایان جنگ مستلزم امتیازدهی واقعی آمریکا به ایران است؛ اعلام پیروزی و خروج یک‌طرفه دیگر کارســـاز نیست، چون ایران می‌خواهد آمریکا درس بگیرد و دیگر تکرار نکند. بمبـــاران هوایی نمی‌تواند توان نظامی ایران را از بین ببرد و خطر تشدید جدی دارد.

ترامپ، جنگ را در همان چند روز اول باخت

در همیـــن حال، پل کروگمـــن، برنده جایزه نوبل اقتصاد، استاد اقتصاد دانشگاه نیویورک و ستون‌نویس سابق نیویورک‌تایمز تأکید کرد: ترامپ هیچ طرحی برای پایان جنگ ندارد؛ او جنگ را در چند روز اول باخته و اکنون حتی موشـــک و مهمات کافی هم ندارد. ترامپ حاضر نیســـت شکست را بپذیرد و به توافق معقولی که امتیازهای جدی به ایران بدهد تن دهد؛ همچنان ادعا می‌کنـــد ایرانی‌ها برای توافـــق التماس می‌کنند. تنگه هرمز همچنان بسته است و ایران شروط خود را تحمیل می‌کند؛ آمریکا عملاً کنترل را از دست داده و مجبور به پذیرش خواسته‌های ایران است. قیمت بنزین و گازوئیل در آمریکا به‌مراتب بالاتر از سطح منطبق با قیمت نفت خام اســـت (معادل نفـــت ۱۲۰ دلاری) و این وضعیت زندگی عادی مردم را به‌شدت تحت فشار گذاشته. اقتصاد آمریکا به دلیل اخراج مهاجران وارد فاز رشد بسیار کند یا نزدیک به صفر شده و نشانه‌های رکود تورمی آشکار است. وعده ترامپ و استیون میلر مبنی بر اینکه اخراج مهاجران شغل‌های خوب برای آمریکایی‌های بومی ایجاد می‌کند کاملاً دروغ از آب درآمده؛ نرخ اشتغال بومی‌ها پایین آمده و رشـــد دســـتمزدها رو به افول است. رشد اشتغال آمریکا در دوره بایدن عمدتاً متکی بر نیروی کار مهاجر بود؛ با اخراج یا ترس مهاجران، نیروی کار کافی برای رشد ماهانه حتی ۳۰ هزار شغل هم وجود ندارد.

کروگمن همچنین خاطرنشـــان کرد: آمریکا دیگر قدرت نظامی لازم برای ادامه جنگ را ندارد؛ موشک‌های دقیق تمام شـــده‌اند و حمله زمینی متعارف نیز از نظر سیاســـی غیرممکن اســـت. ایران با کنترل تنگه هرمز دســـت بالا را گرفته است. جنگ، ظرفیت پالایشگاهی پشت تنگه هرمز را قفل کرده و پهپادهای اوکراینی نیز پالایشگاه‌های دیگر را هدف قرار داده‌اند؛ بنابراین شکاف قیمتی، گسترده است.

۹۰ درصد تردد کشتی‌ها در تنگه هرمز متوقف شده است

فاکس نیوز شبکه حامی ترامپ دیروز درباره وضعیت صادرات نفت از خلیج‌فارس گزارش داد: تردد کشتی‌ها از تنگه هرمز به‌شدت کاهش یافته است. روزانه نزدیک به ۲۱ میلیون بشـــکه نفت، معـــادل حدود ۲۰ درصد مصرف جهانی فرآورده‌هـــای نفتی مایع، از تنگه هرمز عبور می‌کرد. پیـــش از درگیری‌ها روزانه بیش از ۱۰۰ کشتی از این مسیر عبور می‌کردند، اما این رقم به ۸ تا ۱۴ کشتی کاهش یافته است. اداره اطلاعات انرژی آمریکا پیش‌بینی قیمت نفت برنت در سال ۲۰۲۶ را از ۸۲ به ۸۷ دلار در هر بشکه افزایش داده است. آژانس بین‌المللی انرژی نیز پیش‌بینی کرده کسری عرضه جهانی نفت در ســـه‌ماهه سوم به روزانه ۱.۸ میلیون بشکه برسد؛ بیش از دو برابر برآورد قبلی.

زیرساخت‌های ذخایر نفت آمریکا به سرعت در حال فرسوده شدن است

از طرف دیگر، خبرگزاری رویترز نوشـــت: نابودی ۲.۶ میلیارد بشـــکه نفت، هزینـــه جنگ‌افروزی آمریکا برای جهان است.

پیش از جنگ، تقاضـــای جهانی نفت روزانه ۱۰۳ میلیون بشـــکه بود. جنـــگ تقریباً معـــادل ۲۵ روز از مصرف جهانی نفت را از بین برده است. از ذخایر دولتی باقی‌مانده، یک‌سوم در ایالات متحده نگهداری می‌شود؛ یعنی حدود ۳۰۰ میلیون بشکه. دفتر پاسخگویی دولت آمریکا (GAO) هشدار داد که زیرساخت‌های ذخیره راهبردی نفت آمریکا با سرعت زیادی در حال فرسوده شـــدن اســـت و یک‌چهارم ذخایر دیگر قابل دسترسی نیســـت. اگر آمریکا تنها ۲۰۰ میلیون بشـــکه ذخیره راهبردی نفت قابل دسترســـی داشته باشد، این مقدار تنها می‌تواند برای حدود ۴۰ روز از شکاف فعلی عرضه نفت کافی باشد.

رسانه سی‌ان‌بی‌سی هم در گزارش خود خاطرنشان کرد: کاهش ذخایر اســـتراتژیک نفت آمریکا به حدی رســـیده که نگرانی‌هایی را درباره آسیب‌دیدن مخازن و توان عملیاتی آنها ایجاد کرده اســـت. ذخایر دارای یک کف در حدود ۱۷۰ میلیون بشـــکه اســـت که پایین‌تر از آن، «محدودیت‌های ســـلامت ســـاختاری حفره‌ها و زیرســـاخت‌های پمپاژ، مانع از برداشـــت‌های بیشتر می‌شود.»

نیوزویک: پیروزی ایران بر ترامپ کامل است

«ایران با داشتن دست برتر در برابر آمریکا به‌دنبال تحمیل شروط خود است». نشریه نیوزویک با انتشار این تحلیل می‌نویسد: نخستین هدف ایران این است که در نبود تغییر در دکترین هسته‌ای، تمرکز اصلی برای تقویت امنیـــت خود، خروج نیروهای آمریکا از منطقه اســـت. هدف بعدی، دریافت غرامت برای خسارات واردشده به زیرساخت‌های نظامی و غیرنظامی ایران است. سومین هدف ایران، تثبیت اهرم خود در تنگه هرمز است. حق غنی‌سازی و لغو تحریم‌ها، دو هدف نهایی ایران است.

نیوزویـــک با بیان اینکه «ایـــران پیروزی کاملی بر ترامپ کسب کرده است»، می‌افزاید: ایران با ایستادگی برابر حملات آمریکا و اســـرائیل، خـــود را پیروز میدان دانسته و اکنون به دنبال تحقق پنج هدف مهم برای تغییر موازنه قدرت در منطقه است. مهم‌ترین دستاورد ایران، تســـلط کامل بر تنگه هرمز است که حدود ۲۰ درصد نفت جهان از آن عبور می‌کند. ایران موفق شده کنترل این آبراه حیاتی را در دســـت بگیرد و در حال مذاکره با عمان برای دریافت عوارض از کشتی‌های عبوری است. ایران حملات گسترده‌ای به پایگاه‌های نظامی آمریکا در خلیج‌فارس انجام داده که باعث آسیب‌پذیری شدید این تأسیسات و احتمال انتقال آنها به خارج از منطقه شده است. ایران خواســـتار خروج کامل نیروهای آمریکایی از منطقه شـــده و لغو تحریم‌ها را به عنوان شرط اصلی برای هر توافقی مطرح کرده اســـت. مهم‌ترین دستاورد راهبردی ایران، در هم شکستن فرضیات دیرینه درباره موازنه قدرت در خاورمیانه است؛ کشورهای منطقه مانند عربســـتان و امارات، ارزیابی خود را از تعهدات امنیتی آمریکا تغییر داده‌اند.

فشار جنگ بر اقتصاد آمریکا و مقبولیت ترامپ

مایک جانسون، رئیس‌مجلس نمایندگان آمریکا و از حامیان ترامپ اذعان کرد: جنگ با ایران مانع بزرگی برای رشد وضعیت اقتصادی آمریکا است. ما در کنگره تمام شرایط اقتصادی را فراهم کردیم تا اقتصاد مانند موشک به پرواز درآید و از سه ماهه اول امسال این اتفاق افتاد و ســـپس وارد درگیری با ایران شدیم. این مانع بزرگی است که اکنون با آن مواجه هستیم.

همزمان، نظرسنجی نشریه فایننشال تایمز که توسط شرکت پژوهشی «فوکال‌دیتا» انجام شده است، در فاصله کمتر از ســـه ماه مانده به انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا نشان می‌دهد بیش از ۵۳ درصد آمریکایی‌ها معتقدند وضعیت مالی آنها از زمان بازگشت ترامپ به کاخ سفید وخیم‌تر شده است.

فایننشال تایمز نوشـــت: این نارضایتی در آستانه انتخابـــات میان‌دوره‌ای می‌تواند برای جمهوری‌خواهان نگران‌کننده باشـــد؛ چرا کـــه ۴۴ درصد رأی‌دهندگان گفته‌اند در انتخابات نوامبر به نامزدهای دموکرات رأی می‌دهند، در حالی که این رقم برای جمهوری‌خواهان ۳۹ درصد اســـت. همچنین محبوبیت ترامپ در میان جمهوری‌خواهان نسبت به ماه گذشته ۸ درصد کاهش یافته است.

سقوط مداوم مقبولیت ترامپ در اثر جنگ

در ایـــن میان، قیمت بنزیـــن در آمریکا به یکی از چالش‌های جدی دولت دونالد ترامپ تبدیل شده است؛ نظرسنجی‌ها نشـــان می‌دهد ۷۹ درصد آمریکایی‌ها از قیمت سوخت ناراضی هستند، رقمی که در مقایسه با دولت‌های پیشین بی‌سابقه گزارش شده است.

یاهو فایننس در گزارشـــی نوشـــت: جنگ ایران و مســـائل اقتصادی، محبوبیت ترامـــپ را به پایین‌ترین حد رســـانده و میزان خالص محبوبیت او اکنون منفی ۲۰درصد است. تورم با نرخ منفی ۴۲.۴ درصد، اقتصاد با منفی ۲۹.۶ درصد و تجارت با منفی ۲۵.۷ درصد، سه عامل اصلی این افت مقبولیت هســـتند. همه این اعداد روند نزولی داشته و برخلاف دوران اول ترامپ، اقتصاد حالا به جـــای کمک، به محبوبیت او آســـیب می‌زند. بســـیاری رأی‌دهندگان از مدیریت تورم توسط ترامپ ناراضی هستند. هواداران او دو علت اصلی قیمت بالای بنزین را جنگ علیه ایران و تعرفه‌ها عنوان کرده‌اند. به گفته تحلیلگران، کاهش محبوبیت ترامپ با قیمت بنزین و جنگ ایران همخوانی کامل دارد.

ماجراجوی سردرگم و فاقد راه‌حل

از طـــرف دیگـــر، روزنامـــه وال اســـتریت ژورنال گزارش داد: بحران جنگ با ایران و گرانی، در آســـتانه انتخابات میان‌دوره‌ای بر سر ترامپ سایه انداخته است. نظرسنجی‌های جدید نشان می‌دهد محبوبیت ترامپ به‌شـــدت کاهش یافته و بیشتر آمریکایی‌ها از عملکرد او ناراضی‌اند و حـــدود ۵۹ درصد او را تأیید نمی‌کنند. بن‌بســـت و پیچیدگی بحران جنگ با ایران، نگرانی‌ها درباره هزینه‌هـــای زندگی و جنگ طولانی که پایانش مشخص نیست، از مهم‌ترین عواملی است که جایگاه او را در آستانه انتخابات میان‌دوره‌ای متزلزل کرده است. تحلیلگران می‌گویند این بار وضعیت برای ترامپ فرق می‌کنـــد؛ چون او که همیشـــه ادعا می‌کرد جنگ‌های خارجـــی را نمی‌پذیرد، حالا خـــودش وارد یک بحران بی‌پایان شده و چهره‌اش دیگر آن آدم مطمئن و قاطع گذشته نیست. حتی پایگاه سنتی او هم نگران است چون او را فردی سردرگم می‌بینند که فقط به دنبال هیجان و ماجراست، نه راه‌حل درست.

چی فکر می‌کرد و چی شد؟!

سردرگمی و درماندگی ترامپ در جنگ، به روایت غالب در آمریکا تبدیل شده است چنان که وبسایت شبکه سی‌ان‌ان نوشت: با گذشت شـــش ماه از جنگ، دولت ترامپ از اهداف عقب‌نشینی کرده است. جی‌دی ونس، معاون رئیس‌جمهور، اکنـــون اولویت را «تداوم جریان نفت» عنوان کرد. این نشـــان‌دهنده عدم تحقق اهداف جنگ است. درحالی‌که جنگ علیه ایران وارد ششمین ماه خود شـــده، اختلافات تیم امنیتی-سیاسی اطراف ترامپ بر ســـر این جنگ ادامه دارد. یکی از بزرگ‌ترین مشکلات دولت ترامپ در خروج از جنگ ایران، فهرست اهداف بســـیار مطلق اســـت که دونالد ترامپ و تیمش ارائه داده‌اند. این اهداف شامل تسلیم کامل ایران، تغییر حکومت، عدم دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای و پایان دادن به حمایت تهران از گروه‌های نیابتی در خاورمیانه مانند حزب‌الله بوده است. اما با طولانی شدن جنگ این فهرست اهداف به طرز چشمگیری تغییر کرده است.

آخرین دست و پا زدن ترامپ قبل از غرق شدن

مالکوم نانس، از افسر سابق اطلاعاتی نیروی دریایی آمریکا گفت: ترامپ در حال غرق شدن در جنگ ایران اســـت. ما اساساً مهماتمان تمام شده است و ایران این را می‌داند. ترامپ بـــه تحریم‌های ایران بازمی‌گردد در حالی که ســـایر اســـتراتژی‌های او برای پایان دادن به جنگ شکســـت می‌خورند؛ او در حـــال چنگ زدن به آخرین علف‌هاســـت. ترامپ دوست دارد بگوید که این جنگ را پس از ۵۰ سال فشار اقتصادی که نتوانسته بود جاه‌طلبی‌های هسته‌ای ایران را متوقف کند، آغاز کرده است، اما اکنون شرط می‌بندد که یک فشار مالی دیگر می‌تواند جنگ را به پایان برساند. ایرانی‌ها گفته‌اند که منتظر می‌مانند تا زمانی که او دیگر در دفتر کار نباشد؛ آنها قطعاً اســـتراتژی دارند که نظم اقتصادی جهان را بشکنند و آن را به گردن ترامپ بیندازند.

سند شکست‌های پیاپی و قطعی ترامپ

نشـــریه معتبر هیل متعلق به کنگـــره آمریکا در یادداشتی تحلیلی نوشت: ایران مشغول بالابردن هزینه برای ترامپ است. پیام انتصابات جدید در تهران، رویکرد تهاجمی ایران است. هیچ‌کس در تهران به چیزی کمتر از تسلیم واشـــنگتن راضی نیست. تغییر ناگهانی لحن کاخ سفید از «تهدید به آغاز مجدد حملات نظامی» به اتخاذ یک موضع مبهم و نظاره‌گرانه، نشان‌دهنده شکست ادعاهای مکرر در کســـب پیروزی قطعی است. توصیف تقابل جاری به عنوان یک «بازی شطرنج» و اتکا به این گزاره اثبات‌ناپذیر که گذر زمان و فشـــارهای تورمی و بی‌پولی رقیب را تســـلیم خواهد کرد، تلاشـــی آشکار برای طفره رفتن از مسئولیت شکست ضرب‌الاجل‌های پیشین برای بازگشـــایی تنگه هرمز است. این رویکرد انفعالی واشنگتن بلافاصله با ضربات سنگین ایران پاسخ داده شد؛ طرح شروط شـــش‌گانه شورای عالی امنیت ملی ایران، شامل توقف تهدیدها، پایان قطعی حملات به متحدان منطقه‌ای، لغو محاصره دریایی و خروج نیروهای آمریکایی، پرداخت غرامت دو جنگ، لغو کامل تحریم‌ها و آزادسازی بی‌قیدوشرط اموال مسدودشده، عملاً مذاکره فنی بر سر کشتیرانی را به یک مصالحه سیاسی بنیادین برای پایان جنگ تبدیل کرد. همزمان، اصابت موشک به نفتکش متعلق به شرکت ادنوک امارات در تنگه هرمز و تکذیب مذاکرات مستقیم از سوی وزارت خارجه ایران، توهم دستیابی سریع به توافق را در هم شکست.

پیام روشن آرایش تهاجمی ایران

هیـــل افزود: تغییرات در رأس هرم امنیتی ایران و آمدن محسن رضایی، فرمانده اسبق سپاه پاسداران، پیام روشـــنی از آرایش تهاجمی به همراه دارد. شرطبندی استراتژیک واشنگتن بر سر اینکه فشارهای اقتصادی و گذر زمان می‌تواند طرف مقابل را وادار به عقب‌نشینی کند، با یک خطای محاسباتی بزرگ روبه‌رو شده است. مسئله اساسی این است که هیچ مقامی در ساختار فعلی ایران، اجازه پذیرش شروطی کمتر از تسلیم واشنگتن ندارد؛ مطالباتی که کاخ ســـفید اساســـاً توان یا تمایل برآورده کردن آن‌ها را دارا نیســـت. با بسته شدن دست ترامپ برای اجرای گزینه‌های نظامی و ناکارآمدی حربه فرسایش اقتصادی، استراتژی موسوم به «صبر و تماشا» به یک باتلاق بی‌پایان تبدیل شـــده که در آن زمان، بر خلاف تصور، نه به سود واشنگتن، بلکه در جهت افزایش اهرم‌های فشار ایران به گردش درآمده است.

جمع‌بندی در خلیج‌فارس: پذیرش مدیریت ایران بر تنگه

در همین حال، تایمز هندوستان تأکید کرد: تنگه هرمز در مشت تهران اســـت و کشورهای خلیج‌فارس میـــان «معامله بد» و جنگ بزرگ‌تر، به مرحله پذیرش کنترل اهرم تنگه هرمز در دستان ایران نزدیک می‌شوند.

این روزنامه می‌نویســـد: تولیدکنندگان انرژی در خلیج‌فارس بیش از گذشته به این جمع‌بندی رسیده‌اند که برای بازگشـــایی تنگه هرمز ناچارند کنترل ایران را بپذیرند. طرح پیشـــنهادی، با وجود نگرانی دولت‌های منطقه از نظارت تهران، به گزینه ترجیحی چند کشور خلیج‌فارس تبدیل شده؛ زیرا بدیل آن می‌تواند تشدید رویارویی آمریکا و ایران و افزایش تهدید علیه تأسیسات نفت، گاز، برق و آب باشد. مذاکرات متوقف شده است. ایران خواهان گشـــایش مالی و ممنوعیت عبور ناوهای جنگی آمریکا و اســـرائیل از تنگه اســـت، در حالی که واشنگتن هر ترتیبی را که به تهران امکان محدودکردن کشتیرانی بدهد رد می‌کند. برآورد کپلر نشان می‌دهد صادرات نفت خام از هرمز در هفته گذشته به حدود ۲.۲ میلیون بشکه در روز رسیده، در حالی که یک ماه قبل حدود ۸.۵ میلیون بشکه بود؛ پیش از جنگ نیز روزانه حدود ۲۰ میلیون بشکه نفت و فرآورده‌های نفتی از این آبراه عبور می‌کرد.

کشـــورهای منطقه برای کاهش وابستگی به هرمز مســـیرهای جایگزین را فعال کرده‌اند، اما این گزینه‌ها نیـــز مصون نمانده‌اند. از ۲۸ فوریـــه تا ۳۰ ژوئیه، ایران و شـــبه‌نظامیان همســـو در عراق دست‌کم ۱۷۲ حمله به زیرساخت‌ها در شش کشور عربی خلیج‌فارس انجام داده‌اند و حدود نیمی از آنها متوجه تأسیســـات انرژی بوده است. نگرانی دولت‌های خلیج‌فارس این است که ازسرگیری جنگ خسارت بیشتری به زیرساخت انرژی وارد کند و سرمایه‌گذاری خارجی و گردشگری را تحت فشار بگذارد. ذخایر جهانی طی شش ماه بیش از ۴۰۰ میلیون بشکه کاهش یافته و حاشیه امنیت بازار در برابر شوک عرضه کمتر شده است. تهران نیز بازگشایی هرمز را مشـــروط دانسته و گفته این آبراه تا زمانی که آمریکا «اقدامات تهاجمی» را متوقف نکند و محاصره بنادر ایران را جبران نکند، باز نخواهد شد.

پرونده‌ای عبرت‌آموز در تاریخ روابط بین‌الملل

نیکولا ترز، خبرنگار و تحلیلگر فرانسوی می‌گوید: آمریکا جنـــگ علیه ایران را بدون راهبرد منســـجم و اهداف روشـــن آغاز کرد و برای واکنش قابل پیش‌بینی تهران نیز آمادگی کافی نداشت. واشنگتن با صرف بیش از ۱۰۰ میلیـــارد دلار، نه‌تنها به اهداف خود نرســـیده، بلکـــه با تضعیف اعتبار قدرت آمریکا، فشـــار بر اقتصاد جهانی و خطر گســـترش جنگ در منطقه روبه‌رو شده اســـت. تحولات تنگه هرمز و احتمال سرایت بحران به باب‌المندب نیز می‌تواند پیامدهای این جنگ را از سطح منطقه‌ای فراتر برده و به یک بحران گسترده در مناسبات بین‌المللی تبدیل کند. این شکســـت، به‌دلیل ابهام در اهداف جنگ و برآورد نادرســـت از توان ایران، می‌تواند در کتاب‌های روابط بین‌الملل به‌عنوان نمونه‌ای کلاسیک از یک شکست قابل پیش‌بینی ثبت شود.

ناامیدی فزاینده از آمریکا در میان متحدان

روزنامه واشنگتن‌پست هم خبر داده که نارضایتی و ناامیدی از آمریکا در منطقه خلیج‌فارس در حال افزایش است: متحدان آمریکا به‌طور فزاینده‌ای نگرانند که دونالد ترامپ نتواند دیپلماســـی مورد نیاز برای تأمین صلح با ایران را مدیریت کند. این موضوع را سه مقام خلیج‌فارس به واشنگتن‌پست گفته‌اند. یکی از این مقامات گفت خشم به بالاترین سطح از زمان آغاز حملات آمریکا و اسرائیل به ایران در فوریه رسیده و تأکید کرد: «ترامپ این جنگ را شـــروع کرد و ما بهای آن را می‌پردازیم.» از نگاه این کشورها، سیاست آمریکا غیرقابل پیش‌بینی و ناکارآمد شده اســـت. عربســـتان، امارات، قطر، کویت و بحرین همچنان برای دفاع به آمریکا وابســـته‌اند، اما همزمان به‌دنبال گزینه‌های جایگزین، از جمله همکاری دفاعی نزدیک‌تر میان خودشان هستند. وابستگی به واشنگتن باقی مانده؛ اما اعتماد ظاهراً نه.

سخنگوی هیئت‌رئیسه